

هدف کلی درس: درک این حقیقت که خداوند یک دین و یک برنامه برای مردم فرستاده و پیامبران، راهنمایان مردم به همان دین بوده اند.

« خلاصه درس دوم «تداوم هدایت» دین و زندگی (۲) پایه یازدهم رشته های ریاضی فیزیک و علوم تجربی »

* **دین واحد** ← خداوند با لطف و رحمت خود ما انسان ها را تنها نگذاشت و هدایت ما را بر عهده گرفت و راهی را در اختیارمان قرار داد، که همان راه مستقیم خوشبختی است. دین به معنای « راه » و « روش » است. دین اسلام، راه و روشی است که خداوند برای زندگی انسان ها برگزیده است خداوند یک دین برای انسان ها فرستاده و به همه پیامبران فرمان داده است تا همان دین را در میان مردم تبلیغ کنند و راه تفرقه در پیش نگیرند. انبیا هم این فرمان را اطاعت کرده و مأموریت خود را با شایستگی انجام داده اند.

* **این آیات به یکی بودن دین الهی اشاره دارند:**

(۱) « خداوند از دین، همان را برایتان بیان کرد که نوح را بدان سفارش نمود. و آن چه را ما به تو وحی کردیم و به ابراهیم و موسی و عیسی توصیه نمودیم، این بود که دین را به پا دارید، و در آن تفرقه نکنید. » (شوری ۱۳)

(۲) « قطعاً دین نزد خداوند، اسلام است و اهل کتاب در آن، راه مخالفت نپیمودند مگر پس از آنکه به حقایق آن آگاه شدند، آن هم به دلیل رشک و حسدی که میان آنان وجود داشت. »

(۳) « [این دین] آیین پدرتان ابراهیم است و او شما را از پیش مسلمان نامید. » (حج ۷۸)

(۴) « ابراهیم نه یهودی بود و نه مسیحی؛ بلکه یکتاپرست (حق گرا) و مسلمان بود. » (آل عمران ۶۷)

در این آیات خداوند از پیامبران می خواهد که در بر پا داشتن دین الهی تفرقه نکنند، دین مورد قبول خداوند اسلام است که به معنای تسلیم بودن در برابر خداست، اهل کتاب (یهودیان و مسیحیان) درباره دین پسندیده الهی که اسلام نام داشت به دلیل رشک و حسادت اختلاف نمودند، حضرت ابراهیم (ع) یکتاپرست و حق گرا و مسلمان بود ولی مسیحیان و یهودیان او را مسیحی یا یهودی می دانستند.

* **منشأ دین واحد** ← فطرت به معنای نوع خاص آفرینش است. وقتی از فطرت انسان سخن می گوئیم، منظور آفرینش خاص انسان و ویژگی هایی است که خداوند در اصل آفرینش وی قرار داده است و انسان ها با این ویژگی های خاص شناخته می شوند. از ابتدای آفرینش انسان تاکنون، اقوام مختلفی روی زمین زندگی کرده اند؛ این افراد با اینکه در برخی خصوصیات، مانند نژاد، زبان، و آداب و رسوم با یکدیگر تفاوت هایی دارند، ولی همگان ویژگی های فطری مشترکی دارند؛ به سبب ویژگی های مشترک (فطرت) خداوند یک برنامه کلی به انسان ها ارزانی داشته، تا آنان را به هدف مشترکی که در خلقتشان قرار داده است، برساند. این برنامه، اسلام نام دارد که به معنای تسلیم بودن در برابر خداوند است.

* **ویژگی های فطری مشترک انسان:**

(۱) از سرمایه تفکر و قدرت اختیار برخوردارند.

(۲) فضیلت های اخلاقی مانند عدالت و خیرخواهی را دوست دارند و از رذائل اخلاقی مانند ظلم، حسادت و دروغ بیزارند.

(۳) به دنبال زیبایی ها، خوبی ها و کمالات نامحدودند.

(۴) از فنا و نابودی گریزان و در جست و جوی زندگی جاودانه هستند.

* **در برنامه دین اسلام از انسان خواسته می شود تا با اندیشه در خود و جهان هستی، در چه مواردی به ایمان قلبی دست یابد؟**

(۱) ایمان به خدای یگانه و دوری از شرک (توحید)

(۲) ایمان به فرستادگان الهی و راهنمایان دین (نبوت)

(۳) ایمان به سرای آخرت، و پاداش و حسابرسی عادلانه (معاد)

(۴) ایمان به عادلانه بودن نظام هستی (عدالت)

* **دین اسلام در عرصه عمل از انسان می خواهد با ایمانی که کسب کرده است، در چه زمینه هایی تلاش نماید؟**

(۱) با انجام واجبات دین و ترک حرام های آن، خداوند را عبادت و بندگی کند.

(۲) فضایل اخلاقی مانند عفت، راستگویی و امانت داری را کسب نماید و از رذائل اخلاقی، مانند ظلم، نفاق، دروغ و ریا دوری کند.

(۳) جامعه ای دینی بر اساس عدالت بنا نماید.

* **تفاوت تعالیم انبیا الهی** ← محتوای اصلی دعوت پیامبران یکسان است. در واقع همه آنها یک دین آورده اند ولی در برخی احکام

فرعی، متناسب با زمان و سطح آگاهی مردم و نیازهای هر دوره تفاوت هایی با یکدیگر داشته است؛ مثلاً همه پیامبران، امت های خود را به نماز دعوت کرده اند، اما در شکل و تعداد آن تفاوت هایی بوده است؛ البته این قبیل تفاوت ها سبب تفاوت در اصل دین نشده است.

* **علل فرستادن پیامبران متعدد:**

الف) استمرار و پیوستگی در دعوت ← لازمه ماندگاری یک پیام، تبلیغ دائمی و مستمر آن است. پیامبران الهی با ایمان استوار و تلاش

بی مانند، در طول زمان های مختلف دین الهی را تبلیغ می کردند تا خداپرستی، عدالت طلبی و کرامت های اخلاقی میان مردم گسترش یابد. این تداوم سبب شد تا تعالیم الهی جزء سبک زندگی و آداب و فرهنگ مردم شود و دشمنان دین نتوانند آن را به راحتی کنار بگذارند.

ب) رشد تدریجی سطح فکر مردم ← علت فرستادن پیامبران متعدد، رشد تدریجی فکر و اندیشه و امور مربوط به آن، مانند دانش و

فرهنگ می باشد. از این رو، لازم بود تا در هر عصر و دوره ای پیامبران جدیدی مبعوث شوند، تا اصول ثابت دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان های دوران خود بیان کنند و متناسب با درک آنان سخن گویند. این سخن پیامبر اسلام به رشد تدریجی سطح فکر مردم اشاره دارد.

پیامبر اکرم (ص) که می فرماید: «**إِنَّا مَعَاشِرَ الْأَنْبِيَاءِ أُمِرْنَا أَنْ نُكَلِّمَ النَّاسَ عَلَى قَدْرِ عَقُولِهِمْ**»

ترجمه: ما پیامبران مأمور شده ایم که با مردم به اندازه عقلشان سخن بگوییم.

ج) تحریف تعلیمات پیامبر پیشین ← به علت ابتدایی بودن سطح فرهنگ و زندگی اجتماعی و عدم توسعه کتابت، تعلیمات انبیا به تدریج

فراموش می شد، یا به گونه ای تغییر می یافت که با اصل آن تفاوت داشت؛ بر این اساس، پیامبران بعدی می آمدند و تعلیمات صحیح را بار دیگر برای مردم بیان می کردند.

* **ختم نبوت** ← از آن جا که خداوند پیامبران را می فرستد و اوست که نیاز یا عدم نیاز به پیامبر را در هر زمان تشخیص می دهد تعیین ختم

نبوت نیز با خداست؛ زیرا اوست که دقیقاً می داند عوامل ختم نبوت فراهم شده یا نه. مثلاً یکی از عوامل بی نیازی از آمدن پیامبر جدید، حفظ کتاب آسمانی از تحریف و وجود آن در میان مردم است. اما تشخیص اینکه در چه زمانی مردم به مرحله ای می رسند که می توانند کتاب

آسمانی خود را حفظ کنند، در توانایی انسان نیست و فقط خدا از چنین علمی برخوردار است.

* **عوامل ختم نبوت (عوامل پایان ارسال پیامبران)**

(۱) **آمادگی جامعه بشری برای دریافت برنامه کامل زندگی** ← پایین بودن سطح درک انسان ها و عدم توانایی آنان در گرفتن برنامه

کامل زندگی از عوامل تجدید نبوت ها بود. در عصر نزول قرآن، با اینکه مردم حجاز سطح فرهنگی پایینی داشتند، اما آمادگی فکری و

فرهنگی جوامع مختلف به میزانی بود که می توانست کامل ترین برنامه زندگی را دریافت و حفظ کند و به کمک آن، پاسخ نیازهای فردی و اجتماعی خود را به دست آورد.

(۲) **حفظ قرآن کریم از تحریف** ← با تلاش و کوشش مسلمانان و در پرتو عنایت الهی و با اهتمامی که پیامبر اکرم (ص) در جمع آوری و

حفظ قرآن داشت، این کتاب دچار تحریف نشد و هیچ کلمه ای بر آن افزوده یا از آن کم نگردید. به همین جهت این کتاب نیازی به تصحیح ندارد و جاودانه خواهد ماند.

(۳) **وجود امام معصوم پس از پیامبر اکرم (ص)** ← تعیین امام معصوم از طرف خداوند سبب شد که مسئولیت های پیامبر، به جز دریافت

و ابلاغ وحی ادامه یابد و جامعه کمبودی از جهت رهبری و هدایت نداشته باشد.

(۴) **پویایی و روز آمد بودن دین اسلام** ← دینی می تواند برای همیشه ماندگار باشد که بتواند به همه سؤال ها و نیازهای انسان ها در همه

مکان ها و زمان ها پاسخ دهد.

* ویژگی های دین اسلام که می تواند پاسخ گوی انسان در دوره های مختلف باشد :

اول : توجه به نیازهای متغیر، در عین توجه به نیازهای ثابت ← نیازهای ثابت؛ نیازهایی که در همه زمان ها برای بشر وجود داشته و از بین نمی روند و دین اسلام برای هر کدام از این نیازها قوانین ثابت و مشخصی دارد. مانند نیاز به امنیت، عدالت، داد و ستد با دیگران، ازدواج و تشکیل خانواده، تعلیم و تربیت و حکومت.

نیازهای متغیر نیازهایی هستند که از درون نیازهای ثابت پدید می آیند؛ یعنی، انسان ها با گذشت زمان برای پاسخ گویی به نیازهای ثابت خود، از روش ها و شیوه های مختلف و متغیری استفاده می کنند. مثلاً داد و ستد یک نیاز ثابت است؛ اما شیوه و چگونگی داد و ستد ممکن است در هر زمان تغییر کنند.

دوم : وجود قوانین تنظیم کننده ← وجود قوانین تنظیم کننده در اسلام به مقررات اسلامی خاصیت انطباق و تحرک می دهد. این قواعد بر همه احکام و مقررات اسلامی تسلط دارند و مانند بازرسان عالی، احکام و مقررات را تحت نظر قرار می دهند و کنترل می کنند. خداوند آخرین پیامبر الهی، کامل ترین و شایسته ترین برنامه را برای هدایت تمامی انسان ها، در همه زمان ها به مردم معرفی نمود و دیگر نیازی به آمدن پیامبر جدید نیست.

* **قاعده « لا ضَرَرَ وَ لا ضِرَارَ فِی الْإِسْلَامِ »** ← اسلام با ضرر دیدن و ضرر رساندن مخالف است. این سخن پیامبر اسلام (ص) به صورت یک قاعده در آمده و بسیاری از مقررات اسلامی را کنترل می کند. مثلاً روزه ماه رمضان بر هر مکلفی واجب است ، اما اگر این روزه برای شخصی ضرر داشته باشد، بر او حرام می شود.

* **این چند بیت شعر به چه مولوی اشاره به ختم نبوت دارد :**

یکی خط است ز اول تا به آخر بر او خلق جهان گشته مسافر ← به واحد بودن دین الهی اشاره دارد.

در این ره انبیا چون ساربان اند دلیل و رهنمای کاروان اند ← به هدایت تشریحی اشاره دارد.

وز ایشان سید ما گشته سالار هم او اول هم او آخر در این کار ← اشاره به فتح نبوت دارد.

بر او ختم آمده پایان این راه بر او نازل شده « ادعوا لی الله » ← اشاره به فتح نبوت دارد.

شده او پیش دل ها جمله در پی گرفته دست جان ها دامن وی ← فتح نبوت و پویایی و روز آمد بودن دین اسلام

* **وظیفه پیروان پیامبران گذشته** ← گرایش به دین پیامبر جدید و پیروی کامل از او، خداوند فقط یک دین و یک راه برای هدایت انسان ها فرستاده است که از آن به « اسلام » تعبیر می شود.

هر یک از پیامبران، این دین الهی را در خور فهم و اندیشه انسان های دوران خود بیان کرده اند. آمدن پیامبر جدید و آوردن کتاب جدید نشانگر این است که بخشی از تعلیمات پیامبر قبلی، اکنون نمی تواند پاسخ گوی نیازهای مردم باشد.

هر پیامبری که می آمد به آمدن پیامبر بعدی بشارت می داد و بر پیروی از او تأکید می کرد. بنابراین، وجود دو یا چند دین در یک زمان، نشانگر این است که پیروان پیامبر قبلی به آخرین پیامبر ایمان نیاورده اند و این کار به معنای سرپیچی از فرمان خدا و عدم پیروی از دستورات پیامبران گذشته است. امروزه به جز قرآن هیچ کتاب آسمانی دیگری وجود ندارد که بتوان گفت محتوای آن به طور کامل از جانب خداست و انسان ها آن را کم و زیاد نکرده اند و با اطمینان خاطر بتوان از آن پیروی کرد.

* **آیه « وَ مَنْ يَتَّبِعْ غَيْرَ الْإِسْلَامِ دِينًا فَلَنْ يُقْبَلَ مِنْهُ وَ هُوَ فِي الْآخِرَةِ مِنَ الْخَاسِرِينَ »**

ترجمه : و هر کس دینی جز اسلام اختیار کند هرگز از او پذیرفته نخواهد شد و در آخرت از زیان کاران خواهد بود.

این آیه بیان می کند که تنها دینی که می تواند مردم را به رستگاری دنیا و آخرت برساند اسلام است.

* **چرا اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است ؟**

زیرا پیامبران الهی مانند معلمان یک مدرسه اند که پایه های مختلف تحصیلی را به ترتیب تدریس می کنند و هر کدام مطالب سال قبل را تکمیل می کنند. آنان همه یک برنامه و هدف مشخص را دنبال و همه یکدیگر را تأیید کرده اند. بنابراین، اگر کسی به آخرین پیامبر الهی ایمان بیاورد در واقع به تمام پیامبران سابق نیز ایمان آورده است.